

گپ و گفت خودمانی جامجم با سیدحسن نصرالله

گفت‌وگو با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، معمولا بازتاب رسانه‌ای وسیعی دارد. دلیل آن این است که این چهره برجسته سیاسی که نقشی مهم در معادلات منطقه و حتی جهان دارد...



گفت‌وگو با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، معمولا بازتاب رسانه‌ای وسیعی دارد. دلیل آن این است که این چهره برجسته سیاسی که نقشی مهم در معادلات منطقه و حتی جهان دارد، کمتر حاضر می‌شود؛ تن به گفت‌وگو و گوی رسانه ای دهد. با این حال آنچه پیش‌رو دارید، گفت‌وگویی خودمانی با این چهره برجسته درباره زندگی خصوصی و حتی خانوادگی اوست؛ گفت‌وگویی متفاوت که مخاطب را با ابعادی تازه از این شخصیت کم‌شناخته‌تر می‌آشنا می‌کند. به‌دلیل تفصیلی بودن این گفت‌وگو، بخش اول از آن در این شماره منتشر شده و بخش دوم آن را می‌توانید فردا در صفحه «جهان» بخوانید.

طی 25 سال گذشته زندگی شما زندگی بسیار سختی بوده است، مردم دوست دارند بدانند طی این 25 سال به شما چه گذشته است با توجه به شرایط امنیتی که به شما و خانواده شما تحمیل شده است، آیا خانواده شما از این وضعیت خسته نشده‌اند؟

انسان به وضعیت عادت می‌کند، اولاً خانواده به این وضعیت عادت کرده‌اند بویژه همسر و همین‌طور فرزندانم. تعداد خانواده ما زیاد نیست و بیشتر فرزندان من ازدواج کرده‌اند و به طور مستقل و جدای از ما زندگی می‌کنند. تنها یک فرزندم با ما زندگی می‌کند. در 25 سال گذشته با شرایط امنیتی، سیاسی و اجتماعی که برایمان پیش آمده سازگار شده‌ایم و اوضاع زندگی خود را بر این اساس تنظیم کرده‌ایم. به‌گونه‌ای که توانسته‌ایم با آن کنار بیایم و یک زندگی قابل تحمل داشته باشیم. بنابراین ما راضی به رضای او هستیم و مقدرات الهی را برای خود نعمت می‌دانیم و در این مورد گزینه دیگری در پیش رو نداریم چون این مسئولیت را پذیرفته‌ایم. و راهی جز پذیرش آن و ادامه وضعیت موجود نداریم و این حداقل کاری است که می‌توانیم در راه خدای متعال انجام دهیم. من به شما و همه کسانی که این سوال را مطرح می‌کنند اطمینان می‌دهم که نگران این مسیر نباشند. برخی تصور می‌کنند مثلاً فلانی و خانواده‌اش زندگی سختی دارند و ناراحتند و خسته شده‌اند، نه این‌طور نیست ما این مشکل را از مدت‌ها پیش حل کرده و با پذیرش این وضعیت با آن کنار آمده‌ایم و اکنون اوضاع برای ما بسیار عادی و طبیعی شده است و از نظر روحی و عاطفی همانند دیگر مردم زندگی عادی داریم (به فارسی) یعنی نگران ما نباشید.

شما این‌طور که من اطلاع دارم دارای پنج فرزند بودید که یکی از آنها آقای محمدهادی شهید شدند و یکی از خیابان‌های لبنان هم به نام ایشان است، اما سه فرزند پسر و یک فرزند دختر شما در حال حاضر چه کاری انجام می‌دهند و آیا آنها ازدواج کرده‌اند و فرزند دیگری که پیش شما مانده است، کدام است؟

از کوچک شروع می‌کنم، کوچک‌ترین آنها نامش محمدمهدی است و حدود 15 تا 16 سال دارد و در دبیرستان مشغول تحصیل است و طبعاً هنوز مجرد است و به تحصیل خود ادامه می‌دهد. فرزند بزرگ‌تر از آن محمدهادی است که ازدواج کرده و دو فرزند دارد و در تشکیلات حزب الله کار می‌کند، یعنی در یکی از واحدهای حزب مشغول است. پس از او، دخترم زینب است که ازدواج کرده و او نیز چهار فرزند دارد و دانشجوی حوزه و دانشگاه است و او هم در خانه خود به صورت عادی زندگی می‌کند.

شنیدم همسر زینب خانم، محافظ شماست، همین‌طور است؟

نه درست نیست. او جزو تیم همراه من نیست. او نیز در تشکیلات حزب الله کار می‌کند و به دور از هر گونه ارتباط مستقیم با من. اصولاً من تمایل ندارم نزدیکانم به صورت مستقیم با من کار کنند. ارتباط او با من این است که او داماد من است همانند ارتباط فرزندم یا دوستم یا برادرم با من و فرزند بزرگ‌ترم هم محمدهادی است که او نیز ازدواج کرده و چهار فرزند دارد و طبعاً به صورت مستقل زندگی می‌کند و در تشکیلات حزب الله مشغول است.

آیا پیش آمده که تا به حال خانوادگی دور هم و با هم سر یک سفره بنشینید و غذا بخورید و گفت‌وگو کنید؟

بعضی مواقع پیش می‌آید اما کم.

کدام یک از فرزندان سیاسی‌تر هستند، در خانه می‌نشینید چه بحث‌ها می‌کنید؟

فرزندان یا نوه‌ها می‌گویند اگر سوال سیاسی داشته باشند آن را از من می‌پرسند، یعنی حتی برخی از نوه‌ها می‌گویند در حال حاضر مثلا 9 یا ده یا 11 سال سن و به مسائل سیاسی توجه دارند، چرا که در لبنان حتی کودکان نیز به مسائل سیاسی توجه دارند. اما معمولا درباره مسائل سیاسی صحبت نمی‌کنیم چرا که با فاصله زمانی یکدیگر را می‌بینیم و به مسائل خانوادگی و اجتماعی و مسائل کلی می‌پردازیم و به سوالات دینی و فرهنگی آنها پاسخ می‌دهم.

آخرین باری که به طور دسته جمعی دور هم نشستید کی بود؟

نمی‌توانم به شما بگویم.

شما ورزش هم می‌کنید؟

کم ورزش می‌کنم بویژه در دوره اخیر؛ به علت فشار کار در ماه‌های اخیر، حتی مقدار کمی که ورزش می‌کردم هم نیز متاسفانه کنار گذاشتم، اما ان‌شاء‌الله آن را از سر خواهم گرفت

چه ورزشی را دوست دارید؟

ورزشی را که دوست دارم نمی‌توانم به آن پردازم. من در گذشته در زمان جوانی فوتبال را بسیار زیاد دوست داشتم، اما طبعاً سال‌هاست که نمی‌توانم بازی کنم. زمانی که وارد حوزه علمیه شدم با گروهی از طلبه‌ها فوتبال بازی می‌کردم، اما الان این‌گونه نیست. الان تنها ورزش در دسترس، پیاده‌روی است، اما پیاده‌روی بر روی دستگاه ترد میل نه در فضای باز.

شما به دلیل مسائل امنیتی مجبورید از تلفن همراه و تلفن ثابت یا از فضای مجازی دور باشید، این فاصله به شما به لحاظ کسب اطلاعات لطمه زده است؟

نه، چرا که اولاً وسایل متعددی وجود دارد، رسانه‌های داخلی و بین‌المللی، همه چیز در رسانه‌ها ذکر می‌شود. همه رسانه‌های خبری و شاید اکثر آنها را دنبال می‌کنم. یعنی هم خبرگزاری‌ها و رسانه‌های داخلی و هم رسانه‌های خارجی، البته بیشتر رسانه‌هایی را که اخبار را به صورت فوری اعلام می‌کنند. ثانياً درست است که من از ارتباط مستقیم با اینترنت دور هستم، اما از آنچه در رسانه‌ها گفته و آنچه منتشر می‌شود مطلع هستم یا حتی ویدئوهای کوتاه را دنبال می‌کنم و برادرانمان در دفتر هر روز به کپی کردن آنها چه روی کاغذ و چه روی سی دی اقدام می‌کنند و من از آنچه در شبکه‌های اجتماعی یا پایگاه‌های اینترنتی خبری ارائه می‌شود اطلاع دارم و همچنین کلیپ‌های ویدئویی را به صورت روزانه نگاه می‌کنم.

در خصوص رخدادهای ما شبکه ارتباطی امن یا تقریباً امنی داریم که می‌توانم در هر مکان در لبنان با هر مسئول در حزب‌الله گفت‌وگو کنم در این خصوص هیچ منع امنیتی وجود ندارد با جنوب یا بقاع با دورترین روستاها تماس می‌گیرم و اگر چیزی داشته باشند، می‌فهمم و از آنها سوال می‌کنم و مشکلی در این خصوص نداریم.

با شمار زیادی از مسئولان حزب‌الله دیدار می‌کنم. برخی تصور می‌کنند من در یک نقطه زیر زمین می‌نشینم و گاهی با دیگران دیدار می‌کنم. نه این درست نیست. گاهی اوقات همه وقت روزانه من به صورت مداوم در حال دیدار با مسئولان حزب‌الله و برادران و حتی روحانیونی می‌گذرد که از مناطق دیگر می‌آیند، حتی با شخصیت‌های سیاسی. طبعاً بیشتر این دیدارها به دور از رسانه‌ها انجام

می‌زنم؛ شود. می‌زنم؛ نشینیم تبادل نظر و گفت‌وگو می‌زنم؛ کنیم و مسائل را می‌زنم؛ شنویم و برای همین در تماس دائمی برای فهمیدن جزئیات حوادث و رویدادهایی هستیم که رخ می‌زنم؛ دهد.

اما روزنامه و تلویزیون که مشکلی ندارد و می‌زنم؛ توانید به‌زنم؛ راحتی به آن‌زنم؛ دسترسی داشته باشید؟

بله طبیعی است. که به روزنامه‌زنم؛ ها و رادیو تلویزیون دسترسی آسان دارم. حتی گاهی وقت‌زنم؛ ها من به بسیاری از مناطق می‌زنم؛ روم. برخی تصور می‌زنم؛ کنند من نمی‌زنم؛ توانم از محل سکونت خارج شوم. نه می‌زنم؛ توانم اما به صورت غیرعلنی. یعنی به صورت عادی در خیابان راه نمی‌زنم؛ روم، به شکل غیرعلنی حضور می‌زنم؛ یابم و می‌زنم؛ توانم به هر جایی بروم و مردم و اماکن را از نزدیک ببینم.

آخرین باری که در ملأعام ظاهر شدید کی بوده است؟

روز دهم محرم گذشته.

مردمی که شما را یکدفعه می‌زنم؛ بیند و می‌زنم؛ نگرند که سیدحسن نصرالله جلوی آنها ظاهر شده است چه احساس و برداشتی دارند، شما چه احساسی به آنها دارید؟

من و آنها احساسات دوستی و مودت و احترام متقابل را به یکدیگر ابراز می‌زنم؛ کنیم. آنها احساسات خویش را بیان می‌زنم؛ کنند و من هم از این احساسات استقبال می‌زنم؛ کنم. اما آنها معمولاً نگران من هستند و اظهار می‌زنم؛ کنند که من زیاد در ملأعام نیاشم تا خطری متوجه من نباشد و زیاد با آنها صحبت نکنم و حتی برخی حاضران به من اشاره می‌زنم؛ کنند که شتاب کن برو و این‌زنم؛ گونه آشکارا در معرض دید نباش.

شما گفتید که برخی از اخبار مهم را به صورت دست نوشته برای شما می‌زنم؛ آورند و به شما اطلاع می‌زنم؛ دهند. شما نگران نیستید که این اطلاعات نادرست باشد و در تصمیم‌زنم؛ گیری‌زنم؛ های شما تاثیری بگذارد؟

غالباً ما دسترسی اطلاعات را ارزیابی و درباره آن تحقیق می‌زنم؛ کنیم بویژه از طریق رسانه‌زنم؛ ها. من همیشه به برادرانم می‌زنم؛ گویم باید در خصوص هرگونه اطلاعاتی که از رسانه‌زنم؛ ها دریافت می‌زنم؛ کنند، اطمینان حاصل کنند. زیرا متأسفانه امروزه نمی‌زنم؛ توان بسیاری از چیزهایی را که عنوان می‌زنم؛ شود مورد وثوق و اطمینان قرار داد. ما منتظر می‌زنم؛ مانیم تا اخبار تأیید شوند. منتظر دیگر رسانه‌زنم؛ های رقیب و حتی مخالف خود می‌زنم؛ مانیم یا این‌زنم؛ که با طرف‌زنم؛ های ذی‌زنم؛ ربط تماس می‌زنم؛ بگیریم تا درستی یا نادرستی اخباری را که گفته شده است، مشخص کنیم.

شما می‌زنم؛ بینید که دور بودن از فضای مجازی در حال حاضر یک فاصله اطلاعاتی میان شما و جامعه ایجاد می‌زنم؛ کند، از طرفی هم شما به طور مدام نمی‌زنم؛ توانید در ملأعام حضور پیدا کنید، آیا این روی تصمیم‌زنم؛ گیری‌زنم؛ های شما که باید بر اساس منطق و مسائل روز جامعه باشد؛ تاثیر نمی‌زنم؛ گذارد؟

من دور نیستم. خدمت شما عرض کردم. حتی مطالبی را که در پایگاه‌زنم؛ های ارتباط اجتماعی نوشته می‌زنم؛ شوند یعنی مطالبی که افراد عادی درباره موضوعات مهم می‌زنم؛ نویسند، برادران برای من کپی آن را می‌زنم؛ آورند و من تصاویر را ملاحظه می‌زنم؛ کنم و اخبار و مقالات را به طور مستقیم می‌زنم؛ خوانم. در هر حال، تاکنون بنا بر تجربه، ما از 25 سال گذشته، با شرایط دشوار و مسائل پیچیده‌زنم؛ ای روبه‌زنم؛ رو شده‌زنم؛ ایم. تاکنون شکر خدا، تصمیماتی که رهبران حزب‌زنم؛ الله اتخاذ کرده‌زنم؛ اند و من نیز یکی از آنها به شمار می‌زنم؛ آیم‌زنم؛؛ تصمیماتی عاقلانه، درست و خوب بوده است.

شما به مرحوم آیت‌زنم؛ الله بهجت ارادت ویژه‌زنم؛ ای داشتید. چه ویژگی از شخصیت ایشان شما را مجذوب خود کرده بود؟

تواضع، سادگی، مختصرگویی، صداقت عجیب، همچنین شفافیت و صراحت بیان ایشان مرا تحت تاثیر خود قرار داده بود. شما وقتی روبه‌زنم؛ روی ایشان می‌زنم؛ نشستید، احساس می‌زنم؛ کردید همه چیز مقابل ایشان روشن و بی‌زنم؛ پرده است از افراد گرفته تا حوادث و آینده.

چرا از ایشان به عنوان پدر معنوی حزب و الله نام برده‌اید؟

بعد از ارتحال امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، اغلب مقامات حزب و الله، چشمانشان در موضوعات روحی و معنوی و عرفانی به سمت و سوی حضرت آیت و الله بهجت متوجه و معطوف شد. آنچه که بیشتر مسئولان حزب و الله را به این سمت و سو ترغیب کرد؛ رفت و آمد و های رهبری حضرت آیت و الله خامنه و ای (دام ظلّه الشریف) با ایشان بود. زمانی که ما مشاهده می و کردیم رهبری و ولی امر ما با آیت و الله بهجت چنین تماسی دارند و مرتب به دیدار ایشان می و رفتند؛ طبیعتاً ما نیز تشویق می و شدیم که بیشتر به سمت آیت و الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) گرایش و تمایل داشته باشیم. به همین خاطر زمانی که برادران و مسئولان عالی و رتبه و فرماندهان مقاومت و نیروها و رزمندگان حزب و الله راهی ایران می و شدند؛ به دیدار با آیت و الله بهجت می و رفتند و به پندها و نصیحت و ها، توصیه و ها و راهنمایی و های ایشان گوش می و دادند و بر اجرای این نصایح پافشاری داشتند و اغلب به نصایح ایشان پایبند بودند و از آن تاثیر می و پذیرفتند.

شما همان طور که در مصاحبه قبل هم اعلام کردید و بارها هم اعلام کرده و اید، به رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت و الله خامنه و ای، علاقه ویژه و ای دارید، این علاقه بیشتر سیاسی، اعتقادی یا عاطفی است؟

در درجه نخست علاقه اعتقادی، روحی و معنوی است و به طور طبیعی، عاطفی است و در نهایت علاقه سیاسی به منزله نتیجه آن است و من علاقه اعتقادی خاص به رهبر انقلاب دارم و این من تنها نیستم بلکه بسیاری از برادران و نمی و گویم همه تا مبالغه نکنم، اما می و گویم بسیاری از ما در حزب و الله لبنان، اعتقاد ویژه و ای به حضرت آیت و الله خامنه و ای داریم و این اعتقاد از تبلیغ دوستان ایرانی نیست، یعنی این و طور نیست که دوستان یا طرفداران ایرانی رهبر انقلاب، عامل این دوست داشتن باشند و ما به این شخصیت تعلق خاطر پیدا کنیم بلکه نتیجه تماس مستقیم و تجربه مستقیم خود ما با ایشان است. من و برادرانمان، در تماس مستقیم با رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران هستیم، البته از زمانی که رئیس و جمهور بودند این ارتباط وجود داشت، یعنی در آغاز تاسیس و تشکیل مقاومت در لبنان در سال 1982 در زمان حیات امام خمینی (قدس سره الشریف) و ما در آن زمان، به ایران و نزد ایشان می و رفتیم و ساعات زیادی نزد ایشان بودیم و به مسائل ما می و پرداختند و این دیدارها پیوسته برگزار می و شد و علاقه خاصی بود. بنابر این تجربه، ما از ایشان اوصاف ایمانی، تقوایی، دینی، اخلاقی، رهبری و شخصیتی دیدیم، به صورت آشکار و جذب ایشان شدیم و ایمان داریم که ایشان در جهان اسلام عالم و تر، فقیه و تر، نیرومندتر و شایسته و تر برای عهده و داری این مقام یعنی مقام رهبری و پیشوایی هستند و ما با تجربه و ای که از ایشان داریم، به این موضوع اعتقاد داریم و از طریق اتفاقات و حوادث و آنچه از ایشان می و شنویم و در حوادث مختلف می و بینیم که ایشان رهبری است که از طرف خدا تائید و کمک می و شود، ما به چنین چیزی یقین داریم و شکی در این باره نداریم که ایشان رهبری است که خداوند ایشان را تائید و کمک می و کند و بر همین اساس ما ایشان را بسیار دوست داریم و در لبنان بسیاری در دعاها ایشان نمی و گویند از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر بیغزا بلکه می و گویند مابقی عمر ما را بگیر و به عمر رهبر بیغزا و من یکی از آنان هستم و ما معتقد هستیم که بقای عمر شریف ایشان، به عنوان رهبر بزرگ، فواید و منافع بزرگی برای امت و اسلام دارد و از بقای هر یک از ما مهم و تر است.

مرتضی غرقی

جام و جم